یادداشت روز

**لمپنیزم اسلامی و ادبیات موهن یک رییس بی جمهور!**

آرش دشتی

حسن روحانی این روز ها تندتند با خبرگزاری ها و تلویزیون دولتی مصاحبه می کند و سعی دارد وعده وعیدهای انتخاباتی اش را رفع و رجوع کند و به هر طریقی که می تواند، حافظه ی جامعه را از مصیبت هایی که دولت او و ولی فقیه او و سرداران دزد و قاتل او به مردم و کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده اند، دور کند و خود را پاک و مبرا جلوه دهد.

روحانی با به نعل و میخ زدن هایش، قصد دارد دوباره توهم زایی کند. از حق دانستن و آزادی بیان و بیطرف بودن رسانه ها و حق اعتراضات و حقوق خود ساخته ی شهروندی حرف می زند.

روحانی مدتی است که دوزاری صاف شده و فهمید که او و حکومتش رفتنی اند و برای حفظ خودش و نظام عوامفریبش، از رهبر و سپاه دلبری می کند، مست غرور از این که توانسته چند صباحی از خیزش سرنگونی طلبانه ی مردم، جان به در ببرد، زبان به تمسخر و توهین گشوده و مانند سلف خود، مردم را تحقیر می کند.

روحانی در گفتار اخیرش با بیشرمی هرچه تمام تر به چشم های مردم زل زد و خانه های مردم را قوطی نامید.

البته او حق دارد خانه های محقر و خالی از نان و شادی و آسایش اکثریت مردم را قوطی بنامد چون خودش و نظام سرمایه داری اسلامی اش، هر روز بیشتر از روز پیش، چنان فقری بر مردم تحمیل کرده اندو خودش و یک مشت دزد و غارتگر و ایادی و اذنابش چنان فربه شده اند و به آلاف و اولوف و ثروت های افسانه ای و کاخ و تفرعنرسیده اند که خانه های مردم پیش چشم او و اطرافیانش، قوطی است!

روحانی باید از مردم شریف ایران معذرت بخواهد پیش از آن که توفان قیام سراسری، تومار زندگی ننگین او و نظام نکبت بارش را در هم بپیچد.

۴ بهمن ۱۳۹۶- ۲۴ ژانویه ۲۰۱۸